

بهمن مه آبادی - نوازنده و مدرس ویلن:

# در کشور ۶۵ میلیون نفری ما چند نفر به موسیقی خود گوش می دهند؟



بهمن مه آبادی

تازمانی که اقدامات عملی جدی برای حمایت از موسیقی صحیح انجام نگردد، مادر مقابل دور اه قرار خواهیم گرفت. اول اینکه موسیقی غیر صحیح، عوامانه و سبک رشد خواهد یافت که در نهایت به ضرر جامعه است و در مرحله دوم موسیقی خوب و متعالی قادر به ادامه حیات نخواهد بود و به مرور زمان جای خود را به کارهای جلف و سبک که همه شاهد آن هستیم خواهد داد.

مطبوعاتی با قلم سروکار دارند و مطلب را به خوبی درک می کنند. آنها بسیار زحمت کشیده اند و من خود را مدیون آنها می دانم. با حوصله قضیه را پیگیری می کنند و با درک عمیق خود مطالب را منعکس می سازند. درست هم همین است. خبرگزاریها هم مثل خود شما در ایستای بسیار همکاری و همراهی کردند. ما برای پول، مقام، سود یا چیز دیگری قدم بر نمی داریم. اگر توانستیم می مانیم و اگر نشد زمین را می بوسیم و به انزوای تلخ خود برمی گردیم تا باز هم تعمق کنیم. من آرزو دارم در کشوری که همه معتقدند نمی توان کار گروهی کرد، آنسامبل سل را پیش ببرم و این تا به امروز به خواست خداوند و همت شما دوستان انجام شده است.

همه به ما فرصت دادند اما ما باز هم به فرصتهای زیادی نیازمندیم تا پیش از پیش به مبارزه بی امان خود بر علیه فساد، سبک سری، ساده لوحی و لودگی ادامه دهیم. وبسایت اینترنتی سل با دو آدرس [www.solmehabadi.ir](http://www.solmehabadi.ir) و [www.sol-music.org](http://www.sol-music.org) مردم خوب کشورمان و انسانهای فهیم دنیای فرهنگ را به ژرفانگری دعوت می کند.

س (کار ۷ و ۸ دارای چه وضعیتی است؟)  
ج (کار هفتم مراحل انتشار را طی می کند. موسیقی کلاسیک آذربایجان و

خبری نباشد. در تالار وحدت، انجمن موسیقی، اداره موسیقی، بنیاد رودکی حمایتهای بی دریغ معنوی وجود دارد. من اینها را درک می کنم. ادعایی ندارم. شاگرد بی استعداد موسیقی هستم. اما چون هستم اجازه تنفس می خواهم دست به آزمون و خطا بزنم و خود را به چالش بگیرم. دوستانم آقایان هومن اختری و پوریا کشاورز و خانم ناهید ابطی نیز چنین می اندیشند. موسیقی کلاسیک در استودیو ضبط نمی شود به محل ضبط نیازمندیم. اگر قرار باشد برای همه اینها پول پرداخت شود بایستی چاه نفت داشته باشیم. آدمهای خیر که می توانند برای جامعه کار انجام دهند از قبیل ساختن مدرسه، بیمارستان و غیره، بیایند مدرسه موسیقی هم بسازند، سالن کنسرت بنا کنند. کتابخانه برپا سازند. من به هر کسی که صدایم را بشنود می گویم: خیلی دیر است باید حرکت کرد، یآوری کرد و از اضمحلال پیش از این جلوگیری به عمل آورد. کسی که کاری را می خرد تا گوشهای خود را با موسیقی خوب آشنا کند، قدمی در راه اعتلای فرهنگی و هنری خود و جامعه اش برمی دارد. همچنانکه کپی کردن و رایب کردن کار خوبی نیست.

س - رسانه ها و مطبوعات هم همکاری خوبی با این جریان فرهنگی داشته اند. این طور نیست؟  
ج - بی شک همینطور است. دوستان

که تاکنون هرگز در مقابل هیچ سالن کنسرتی بروشور تبلیغاتی پخش نکرده اند برای ادامه کار به تک تک مردمی که از سالن کنسرت بیرون می آیند، تراکت می دهند تا کار معرفی شود. استادان دانشگاه و دانشجویان برای حمایت از حرکت علمی سل کارها را تبلیغ و پخش می کنند. اینها اسپانسرهای معنوی، گرنامه و عزیزما هستند و من به خود می بالم که چنین انسانهایی را در اطراف خود دارم. ما با تفکر صرف فرهنگی و غیر تجاری به این کار روی کردیم هرگز به دنبال سود نبوده و نیستیم. اما می بایست سرمایه اولیه برگردد تا امکان چاپ کار بعدی را فراهم آورد. امروز این امر نیز اتفاق نیفتاده است. با این حال من منتظرم تا جواب پرسش خود را بیابم. آیا در کشور ۶۵ میلیون نفری ما چند نفر به موسیقی خود گوش می دهند؟ اگر این عده وجود دارند پس موضوع کدام است؟ آیا ما نتوانسته ایم تبلیغات مناسبی را داشته باشیم؟ آیا موفق نشده ایم تا خود را معرفی بکنیم؟ آیا مسئله این است یا اینکه موسیقی خوب طرفدار ندارد؟ جواب هر چه باشد برنامه آینده ما را مشخص می کند. آیا می بایست ادامه داد و یا اینکه به نفع هرج و مرج کنار رفت؟

س (تعداد نشر هر کار چقدر است؟)  
ج (نشر موسیقی کلاسیک مثل نشر یک کتاب است. مثلاً ۳۰۰۰ نسخه، به نظرم اگر فروش رفت و به چاپ دوباره نیازی بود می بایست قید شود چاپ دوم. این موسیقی مخاطب خاصی دارد. مثل نقل و نبات نمی خزند. اما آیا این مخاطبین پیغام ما را دریافت کرده اند؟

س (شما چه انتظاری دارید؟ راه حل خاصی به نظرتان می رسد؟)

ج (انتظار من زیاد است. ممکن است حوصله شما سر برود. حمایت - حمایت، حمایت. منظرم این نیست که به ما پول بدهند. تازه اگر همچنین شود گامی در جهت هویت یابی فرهنگی جامعه برداشته شده است. راهها را باز کنند. مشکلات را از سر راه بردارند. ما به جای تمرین نیاز داریم. به تبلیغات خاص نیازمندیم. البته اینطور نیست که هیچ

موسیقی علمی و جدی در همه جای دنیا نیاز به حمایت و توجه دولت دارد. بهمن مه آبادی سرپرست موسیقی سل، نوازنده و مدرس ویلن و گیتار کلاسیک، نوازنده ارکستر سمفونیک تهران، محقق و پژوهشگر موسیقی است. وی در گفت و گو با ایستنا، مطالبی به این شرح عنوان کرد که به بخش هایی از آن توجه می کنید.

س (وضعیت موسیقی را چگونه ارزیابی می کنید؟)  
ج (قبل از این نیز بارها و بارها متذکر شده ام که موسیقی علمی و جدی در همه جای دنیا نیاز به حمایت و توجه دولت دارد. تازمانی که اقدامات عملی جدی برای حمایت از موسیقی صحیح انجام نگردد، مادر مقابل دوراه قرار خواهیم گرفت. اول اینکه موسیقی غیر صحیح، عوامانه و سبک رشد خواهد یافت که در نهایت به ضرر جامعه است و در مرحله دوم موسیقی خوب و متعالی قادر به ادامه حیات نخواهد بود و به مرور زمان جای خود را به کارهای جلف و سبک که همه شاهد آن هستیم خواهد داد. لذا می باید برای ادامه حیات هنری جامعه به صورت جدی اندیشید.

حذف قوانین دست و پاگیر، حذف موارد مالیاتی از تمام مراکز نشر و توزیع و حتی پرداخت یارانه همانند کشورهای پیشرفته دنیا می تواند کمک مؤثری در احیای موسیقی و هنر خوب باشد.

س: بودجه چگونه تأمین می شود؟  
ج (باکمال تأسف می بایست بگویم که ما در گروه، اقتصاد خوبی نداریم. کسی از ما حمایت مالی نمی کند. حمایتهای معنوی بی شماری وجود دارد اما این به معنای پرداخت پول برای گروه نیست.

اسپانسر در گروه ما بی معنی است. دوستان عاشق موسیقی خوب با تمام توان خود کار می کنند، آنها دیناری از بابت کارشان دریافت نمی کنند، یعنی پولی وجود ندارد که پرداخت شود.

بسیاری از اوقات این خواربویان موسیقی از جیب خود نیز هزینه می کنند تا کارها پخش شود تا تبلیغات لازم انجام گیرد. شخصیهایی

آدمهای خیر که می توانند برای جامعه کار انجام دهند از قبیل ساختن مدرسه، بیمارستان و غیره، بیایند مدرسه موسیقی هم بسازند

جهان در آلبومی با عنوان "مینیاتور"، بسیار دوست داشتیم آلبومهای سل دانقدهای مختلف را جوابگو باشد.

موسیقی کلاسیک آذربایجان گنجینه ای

با ارزش و معتبر است که شخصیتی جهانی دارد. کار هشتم کلاسیکهای لایت را در برمی گیرد. این مجموعه در آینده نزدیک با تمهیدات پیش بینی شده ای ضبط خواهد شد.

نام آنرا (ستایش) گذاشته ایم. در اینجا لازم می دانم از توجهات مقامات موسیقی وزارت ارشاد سپاسگزاری کنم. ستایش به نظرم آغاز دوره سوم از کارهای سل است که روند خاصی را پی گیری می کند. در دوره اول تریوهای کورللی غالب قطعات سه نواز اول را به خود اختصاص داد. مرحله دوم چهار آلبوم برای دوران مختلف موسیقی کلاسیک و مرحله سوم با تمایلات موسیقی فیلم، لایت و

موسیقی قرن بیستم، (منظور قطعات مدرن نیست) راه خود را طی می کند. امیدوارم فرصت کافی برای پرداختن به این مقولات فراهم شود.

س (و حرف پایانی؟)  
ج ۱- محل برای تمرین، تمام مراکز، دانشگاهها و غیره سالنهایی دارند که می توانند برای این کار مناسب باشد.  
۲- حمایت بی دریغ از راه و روشی که اصولاً غیر تجاری، غیر انتفاعی و کاملاً فرهنگی است.  
۳- باز کردن راههای بسته، حذف موانع، اعلام حمایتهای عملی، ایجاد فرصتهای تبلیغی برای کارهای فرهنگی، برخورد معقول با هنرمندان و متولیان کارهای هنری و فرهنگی و ایجاد شرایط مناسب برای ارائه کارهای هنری و بالاخره برخورد محترمانه با هنر و فرهنگ.